

## زنان در عرصه قدرت

سوریه مقدم

تأثیر در سایه و در راستای حمایت از روشنفکران، مبارزین، روحانیون و سیاسیون بوده که همگی مرد بوده‌اند. اما امروز با در نظر گرفتن ظرفیت‌های بالای زنان و بالا رفتن سطح آگاهی زنان ایرانی که شاید بی‌اغراق بتوان رشد و شعور اجتماعی آنها را بسیار بالاتر از زنان خاورمیانه و دیگر کشورهای اسلامی و حتی برخی کشورهای اروپایی ارزیابی کرد، جای خالی آنها در بسیاری از بخش‌های سیاست به چشم می‌خورد. ناصر فکوهی، انسان‌شناس معتقد است: "حضور اقتصادی زنان در بالاترین حد خود (چند سالی پیش از انقلاب) چیزی در حد ۱۱ تا ۱۲ درصد بوده و پس از انقلاب این نرخ کاهش یافت و به حدود ۸ درصد رسید و سرانجام از دهه دوم انقلاب بار دیگر زن‌ها توانستند به آمارهای قبل انقلاب نزدیک شوند و در حد ۱۰ درصد از حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی را اشغال کنند".

هر چند امروز ایران، حضور زنان موفق را در مجلس و با احراز مقام‌هایی چون معاونت ریاست جمهوری، شهرداری، وکالت و... تجربه می‌کند، اما با توجه به جایگاه زن ایرانی، این حضور، کم‌رنگ به نظر می‌رسد. شاید هنوز در جامعه‌ی ما با وجود رشد مظاهر مدرنیته، ساختار سنتی مردسالارانه حاکم باشد و شاید ده‌ها امای دیگر... ولی زنان باید با در نظر گرفتن توانایی‌های خود و با استناد به دین اسلام که حامی احقاق حقوق تمامی انسان‌هاست، در جهت به دست آوردن موقعیت‌های بیشتر و شرایط برابر با مردان تلاشی کرده و خود را باور کنند.

دکتر حمید منوچهری، جامعه‌شناس معتقد است که یکی از دلایل عدم حضور گسترده‌ی زنان در عرصه‌های سیاست در کشورهای در حال رشد از جمله ایران، ریشه در این موضوع دارد که "این قشر تاکنون نتوانسته‌اند به خودباوری و استقلال شخصیتی لازم دست یابند؛ چون یکی از فاکتورهای اساسی فعالیت سیاسی برای زنان و مردان این است که روحیه‌ی استقامت، اعتماد به نفس و خودباوری عمیق داشته باشند. اما در این کشورها فاصله‌ی بسیاری تا رسیدن به این مرحله‌ی تکاملی به چشم می‌خورد". حال با توجه به توانایی‌های بالقوه‌ای که در زنان ایران وجود دارد و فعالیت‌های جسته و گریخته‌ای که با وجود سختی‌های بسیار، زنان فعال سیاسی برای بهبود روند حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماع و حتی در صحنه‌های بین‌المللی انجام می‌دهند، انتظار می‌رود که زنان ما نیز در احقاق هر چه بیشتر حقوق اجتماعی و سیاسی خود، با در نظر گرفتن این مساله که امروز در سراسر نقاط دنیا نیز کم و بیش از این جریان حمایت می‌شود، اهتمام ورزند.

شاید زمان آن رسیده که زنان ایران فعل خواستن را صرف کنند تا دستور زبان سیاسی جامعه از تکاملی بیشتر برخوردار شود.

گرفته است که از جمله آنها می‌توان به سوهیاترین باتارین یانجما به عنوان نخستین زن رهبر در دوران معاصر در کشور مغولستان اشاره کرد و نخستین زن رییس جمهور در آسیا که در سال ۱۹۸۶ به ریاست جمهوری فیلیپین برگزیده شد. همچنین زنان مسلمان در ترکیه و بنگلادش همچون تنسو چلیر و خالد ضیا. از دیگر زنان تاثیرگذار در سیاست آسیا همچنین می‌توان بی‌نظیر بوتو را نام برد که به نوعی نام پاکستان با او عجین شده است. در عین حال شاید تاثیرگذارترین و پرآوازه‌ترین فعال سیاسی و مبارزان زنان ایندرا گاندی باشد که توانسته دو بار نخست‌وزیری هندوستان را از آن خود کند و امروز در بسیاری از کشورهای آسیا اندک‌اندک شرایط احراز پست‌های بالای سیاسی و اجتماعی برای زنان فراهم شده است. تا جایی که در حال حاضر در کشوری همچون قرقیزستان، زنان مقامات کلیدی و ارزنده‌ای را به خود اختصاص داده‌اند و ۲۴ کرسی پارلمان این کشور در اختیار زنان است. نذرا تاشمحمداوا یکی از کارشناسان قرقیز، نقش زن را بسیار مهم ارزیابی کرده و می‌گوید: "تجربه کشورهای خارجی ثابت نموده که شرکت زن در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور، به نفع پیشبرد کارهای آن جامعه است". هر چند که به گفته‌ی دکتر مهین‌السادات صمدی در این کشور تنها ۶۵ درصد مردان از شرکت زنان در فعالیت‌های دولتی و حکومتی حمایت می‌کنند، اما در همین شرایط رییس دادگاه قانون اساسی و رییس دادگاه عالی قرقیزستان را زنان اشغال کرده‌اند و این مساله حاکی از این است که روند تاثیرگذاری زنان در سرنوشت سیاسی جامعه، خواسته و ناخواسته رو به افزایش است.

### زنان تاثیرگذار سیاسی ایران

اما آنچه در این میان قابل تامل است، شرایط زنان فهیم و اندیشمند ایرانی و بررسی میزان تاثیرگذاری آنان در شرایط سیاسی و اجتماعی کشور است. ایران کشوری است که در پیشینه‌ی تاریخی آن، حکومت زنانی چون آذرمیدخت، سیمین‌دخت و پوران‌دخت اگر چه در مقطع کوتاهی، وجود دارد و پس از آن دوره‌ی تاریخی، زنان به طور مداوم و مستمر به صورت غیرمستقیم و گاه مستقیم در سیاست کشور تاثیرگذار بوده‌اند. به ویژه همزمان با تاسیس مدارس به سبک اروپایی و راهیابی دختران به آن، در ایران نیز در دوران قیام ستارخان و باقرخان و در جنبش‌های اجتماعی همچون مشروطه، زنان بسیار تاثیرگذار بوده‌اند؛ اگر چه این

اگر نگاهی گذرا به تاریخ ببندیم، می‌بینیم که همواره کلیددار دنیای سیاست مردان و آنها تصمیم‌گیران اصلی عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند. این تسلط مردان بر عرصه‌های قدرت باعث شده که در نظام ارزش‌گذاری در جوامع نیز، زن به عنوان موجودی ضعیف، مغلوب و فرو دست محسوب شود و متأسفانه این ایده‌ی سنگ‌فکرانه به طور ناخواسته در اندیشه‌ی خود زنان نیز پذیرفته شده است و این روند تا آن جا پیشرفته که در روند آموزش‌های اجتماعی نیز دختران و پسران با نقش‌های جنسیتی خود خو گرفته و این را می‌پذیرند که دختران باید مهربان، منعطف و اهل سازش و در مقابل پسران باید شجاع، دلیر، مدیر و قدرتمند باشند و بدین ترتیب است که زنان به طور غیرارادی خود به نابرابری‌های اجتماعی دامن زده و شرایط تغییر وضعیت خود را با مشکل مواجه ساخته‌اند. البته ناگفته نماند که امروز با توجه به تحولات گسترده و فعالیت جنبش‌های حقوق زنان در جهان، وضعیت آنان به سمت بهبودی پیش می‌رود و تا حدودی بخشی از زنان که در طبقات فرادست و میان‌دست قرار دارند، توانسته‌اند تا حدود زیادی وارد حوزه‌های سیاست بشوند.

### مشارکت سیاسی زنان

#### در کشورهای توسعه‌یافته

اما آنچه در زمینه‌ی حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی قابل توجه است، رویکرد متفاوت نسبت به این حضور در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه است. گفتیم که در حال حاضر مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اروپایی و آمریکایی به صورت گسترده‌تری دنبال می‌شود که بسیاری از این امر با رفع موانع حقوقی و نوسازی اجتماعی در این کشورها و درک ضرورت مشارکت زنان در نظام سیاسی حاصل شده است. در کشورهای آسیایی نیز در این زمینه حرکت‌هایی صورت

